

## توانستن یا نتوانستن

چند روز پیش فیلمی دیدم که شخصیت اصلی آن پسری طلاساز بود. این نوجوان دست‌های بزرگی داشت و نمی‌توانست با ابزارهای ریز و نگین‌های کوچک کار کند و به خاطر همین مشکل کارهایش ظرافت خاصی نداشت. در آغاز فیلم بیننده تصور می‌کرد قرار است شخصیت اصلی با تلاش به آنچه می‌خواهد برسد و در آینده زرگر معروفی شود، اما داستان فیلم طور دیگری پیش رفت.

بعد از یک سال کار کردن، پسر طلاساز فیلم متوجه شد که کار طلاسازی مناسبش نیست و بهتر است به کارهایی روی آورد که نیازی به دست‌های ظریف نداشته باشد. او به توصیه‌ی یکی از استادانش سراغ ساخت فلزات رفت که با پُتک و کوره آهن سروکار دارد. به چند ماه نرسید که این نوجوان کارهای باکیفیتی ساخت و چون کمی هم کارهای هنری در طلاسازی یاد گرفته بود روی گلدان‌های فلزی نقش‌های زیبایی می‌زد. نکته جالب فیلم این بود که شخصیت اصلی به محض اینکه متوجه شد مشکل از کجاست و برایش قابل حل نیست، بیهوده اصرار نکرد تا زمانش هدر برود و به دنبال کار مناسب رفت. دوستان عزیز بعضی از کارها وجود دارند که هر قدر هم تلاش و پشتکار داشته باشیم مناسب ما نیستند؛ مثلاً اگر قد کوتاهی داریم و سن رشدمان هم گذشته، بهتر است سراغ ورزش‌هایی مثل بستکبال و والیبال نرویم. بعضی از شغل‌ها هستند که هر قدر هم به آن‌ها علاقه‌مند باشیم به علت شرایط خاص مان مناسب ما نیستند. یکی از مهارت‌های مهمی که باید آن را بیاموزیم و در زندگی از آن استفاده کنیم، آگاه شدن بر توانایی‌ها و ناتوانی‌هایمان است. مهم‌ترین معیار برای انتخاب شغل، علاقه و آینده کاری است، اما نمی‌توانیم شرایط زندگی و ویژگی‌های جسمی و روحی مان را نادیده بگیریم؛ البته به این معنا نیست که با مشکلات کنار بیاییم و به راحتی آن‌ها را بپذیریم، نه! در وهله اول باید برای رسیدن به کار مورد علاقه‌مان تلاش کنیم اما اگر مشکلی غیرقابل حل سر راهمان وجود داشت، بهتر است با شناخت نکات مثبت یا منفی مان شغل مناسبمان را انتخاب کنیم.

خلاصه اینکه؛ مهم‌ترین قدم در هر مرحله از زندگی این است که خودمان را به خوبی بشناسیم و با توجه به شناختی که از خودمان داریم تصمیم‌گیری کنیم.